



همه انسان‌ها در مقطعی از زندگی خود با سؤال‌هایی حول هویت خود دست‌وپنجه نرم خواهند کرد؛ حتی افرادی که به نظر می‌رسد همیشه می‌دانند دقیقاً چه کسانی هستند نیز مجبور شده‌اند چنین تغییری را در زندگی پشت سر بگذارند

از اختلاط و حضور پررنگ‌تر در عرصه‌های زنانه‌تر مانند تبلیغ و پژوهش اشاره کرد.

چگونه باید آرمان‌های گفتمان انقلاب اسلامی درباره زن را وارد بدنه جامعه کرد؟

رهبر معظم انقلاب در جلد پنجم کتاب رسالتی را بر دوش زنان نخبه می‌گذارد و آن این است که تغییر هویتی را که دشمن سعی در ایجاد آن دارد اصلاح کنند. سؤال این است چگونه و با چه روش‌هایی می‌توان روش‌های رسانه‌ای ساختار سرمایه‌داری را بی‌اثر و تفکرات گفتمان انقلاب اسلامی را به بدنه جامعه تزریق کرد؟ خانم دکتر قاسم‌پور در پاسخ به این پرسش به ارائه چند راه حل پرداخت: ایجاد ساختارهای بوروکراتیک برای حل مسائل زنان، ورود زنان به عرصه حل مسائل و روایت از زنان موفق و رشد یافته در بستر انقلاب اسلامی. او افزود: طبق بیانات رهبر معظم انقلاب تحول این است که ما نقاط قوت را تقویت و نقاط ضعف را برطرف کنیم. یکی از نقاط قوت روایت کردن از زنان متخصصی است که از دستاوردهای انقلاب اسلامی هستند.

در حوزه قانونگذاری چه قدم‌های رو به جلویی درباره مسائل زنان در حال برداشتن است؟

رئیس فراکسیون زنان مجلس شورای اسلامی در این باره گفت: آنچه برای ما اولویت دارد رویکرد فرهنگ‌ساز به مسأله زن است که مهم‌ترین عنصر آن تقویت هویت دختران نوجوان و جوان است. تا بدانند زنان نه تنها مجاز به حضور اجتماعی بوده‌اند بلکه برای آنان فرصت‌سازی نیز شده است. معرفی زنان موفق در دستگاه‌های فرهنگی و پررنگ کردن این دستاورد از این اولویت‌ها است. مسیر دیگری که باید طی شود رفع خلأها در نظام اولویستی است که برخی در دولت و برخی در مجلس در حال پیگیری است. که در این راستا اقدام مؤثر انجام شده، اختصاص یک درصد بودجه دستگاه‌ها به حوزه زنان و خانواده در مسائل سلامت، ورزش و حمایت از زنان و دختران در معرض آسیب است. همچنین کلیات لایحه حمایت از زنان در مقابل سوءرفتار در مجلس رأی آورده که هدفش رفع خلأهای موجود مطابق با گفتمان انقلاب اسلامی است.

در مسائل زنان ما از غرب مطالبه‌گریم. آیا این مطالبه‌گری عملیاتی شده است؟

فاطمه قاسم‌پور در پاسخ به این سؤال که آیا بین دو گزاره مطرح شده از سوی رهبر معظم انقلاب «حتی آن کسی هم که حجاب ندارد» و «حجاب یک واجب شرعی و یک واجب سیاسی است تناقضی وجود ندارد؟ گفت: برداشت من از منظومه فکری ایشان این است که اگر دختران ما با عناصر فرهنگی و هویت‌بخش خود بیگانه‌اند تماماً به عملکرد غلط ما برمی‌گردد که در کنار اقداماتی که در مواجهه با افراد هنجارشکن باید وجود داشته باشد نباید از کار فرهنگ‌سازی غافل شد و پدرانه و از جایگاه محبت آن عنصر فرهنگی و هویت‌بخش را در جامعه فعال و تقویت کرد.

در بخش پایانی این نشست، دکتر فاطمه قاسم‌پور رئیس فراکسیون زنان مجلس شورای اسلامی با مرور کلی مطالب مختلفی که در نشست بیان شد، توضیح داد: طبق بیانات رهبر انقلاب اسلامی در بحث امنیت زنان، لایحه حمایت از زنان در مقابل سوءرفتار در صحن مجلس پیگیری شد.

همچنین نظام اولویستی ما رویکرد مبنی بر حضور اجتماعی زن را با حفظ خانواده دارد. ان‌شاءالله با فعالیت‌های ترویجی مؤثر الگوی سوم زن به عنوان الگوی اصلی در جامعه ایرانی معرفی شود.

گفتمان انقلاب اسلامی گرچه زن را یک عنصر اجتماعی می‌داند و برایش مسئولیت اجتماعی قائل است اما او را در غیریت است فضای خانوادگی‌اش نمی‌بیند. از سوی دیگر در گفتمان سنتی یا شرقی، خانه‌نشینی وجه ممتاز زن است در حالی که در گفتمان انقلاب اسلامی خانه‌داری خانه‌نشینی نیست

امتداد بحران هویت نوجوانی در دختران

ناهید سلیمی

عضو هیات علمی پژوهشکده زن و خانواده

نوجوانی یکی از اصلی‌ترین مراحل تحول چه بیولوژیک و چه روانی و البته اجتماعی است که همراهی تغییرات بیولوژیک با فرایندهایی مانند جامعه‌پذیری ثانویه طی ورود به عرصه اجتماع از خانواده، مهم‌ترین جنبه تحولی رشد یک فرد را در تمام زمینه‌ها ایجاد می‌کند. حال اینکه تا کجا به این نوسانات هویت‌یابی، بحران بگوئیم محل بحث هست؛ به نظر می‌رسد که می‌توانیم با اطمینان بگوئیم که همه انسان‌ها در مقطعی از زندگی خود با سؤال‌هایی حول هویت خود دست‌وپنجه نرم خواهند کرد. حتی افرادی که به نظر می‌رسد همیشه می‌دانند دقیقاً چه کسانی هستند نیز مجبور شده‌اند چنین تغییری را در زندگی پشت سر بگذارند؛ بنابراین تحولات هویتی و سرگشتگی‌ها در مدتی از زندگی احتمالاً اجتناب‌ناپذیر خواهند بود اما آنچه بحران بزرگ‌تری را رقم می‌زند امتداد این بحران و خارج نشدن از سرگشتگی در زندگی جوان و نوجوان امروزی است.



هویت خود را به خانواده، روابط با والدین و افرادی هم هویت خود بحث‌های آسیب‌شناسی قرار می‌گیرد؛ به طوری که جاماندگی و عدم حل این بحران فرد را به صورت بلندمدت با تبعاتی مانند کاهش عزت‌نفس، زیر سؤال رفتن ارزش‌های فردی و اجتماعی، بی‌هدفی، افزایش احساس ناامنی و در نهایت افزایش احساس اضطراب یا افسردگی روبه‌رو می‌کند. این تبعات در حوزه جنسیت در نهایت منجر به تعارضاتی خواهد شد که فرد را در پذیرش نقش‌های جنسیتی و الزامات آن دچار بحران می‌کند؛ مسأله‌ای که از حیطه‌های فردی فراتر بوده و کارکرد نهاد خانواده و اجتماع را به طرز چشمگیری متأثر می‌کند.

در فرایند هویت‌یابی افراد خود را به روش‌های مختلفی شناسایی و معرفی می‌کنند. به نظر می‌رسد مشخص در این روند از میانبرها یا منابعی که در نهایت در ساختار هویت‌یابی درج می‌شود، به عنوان نمونه در عرصه اقتصاد، محیط فرد غالباً با رویکرد مصرف و تجمل‌گرایی در زیست شهری از جمله مراکز خرید با الزامات و مظاهر خاص خود و تبلیغات آن انباشت می‌شود، در سیستم آموزشی با فضای علم‌زدگی و مدرک‌گرایی خالی از ارزش‌های هنجاری و اصول اخلاقی روبه‌رو هستیم و در نهایت در ساختار فرهنگ و هنر با فرایند رسمی هنر سینما و تلویزیون با غلبه فرهنگ نمایش و سلبریتی‌سازی در کنار

اگر بگوئیم هویت، راهی برای ساختار بخشی به زندگی و انتخاب‌های ماست تا آنها را قابل مدیریت کند، تلاقی آن با جنسیت به عنوان اصلی‌ترین گزاره در ساختاردهی حقوقی، تکلیفی و نقش‌پذیری افراد در خانواده و جامعه، چالشی به نام هویت‌یابی جنسیتی برای فرد پدید می‌آید. این فضا به خصوص برای یک دختر ملموس‌تر خواهد بود؛ چراکه علاوه بر تغییرات بیولوژیک بلوغ، برای آنان ورود از عرصه خانواده به اجتماع با تغییر سریع نقش‌ها و انتظارات، از مناسبات فرهنگی مانند پوشش و حجاب گرفته تا تفاوت‌های حقوقی و مدنی، همراه خواهد بود. در رویارویی با این تحولات در موضع جنسیت، دختر امروزی که متأثر از محیط خود با تعارضات مینایی زیادی در طیفی از فردگرایی مفرط تا خانواده‌گرایی صرف دست‌وپنجه نرم می‌کند، دچار چالش‌های بیشتری برای ساختاردهی به زندگی و انتخاب‌های خود مبتنی بر هویت جنسیتی خواهد شد.

این مسأله برای دختر ایرانی به دو دلیل برجسته‌تر هم خواهد شد؛ اول آنکه به طور عمومی شاهد هستیم نسل جدید، خود و هویت خود را در یک فضای متکثر ذیل فضای مجازی تعریف می‌کنند. از طرفی جریان‌های مبتنی بر جنسیت مانند جریان‌های فمینیستی جدیدتر بیشترین فعالیت و ظرفیت‌سازی را در عرصه شکل‌دهی و ایجاد مسأله در موضوع جنسیت و هویت جنسیتی بخصوص برای زنان در این فضا بروز داده‌اند. پس دختران با گزاره‌های چالش‌برانگیز بیشتری در فضای مجازی مواجه خواهند بود. دوم آنکه در جوامعی مانند ایران، منابع دریافت ارزش‌ها و هنجارها برای بروز کنش‌ها، تعارضات بنیادینی با این ارزش‌ها و اصول کلی غیرالهی جهانی شده دارند. برهم‌کنش این دو موقعیت یعنی مواجهه با جریان‌های جهانی هویت‌ساز به واسطه فضای مجازی و در مقابل مواجهه با ارزش‌ها و هنجارهای دینی و بومی هم در ایجاد بحران‌های هویت فردی و هم گسست هویتی بین نسلی در حوزه زنان نقش عمده‌ای ایفا می‌کند.

نکته قابل توجه اینکه صرف مواجهه با بحران‌های هویتی ممکن است چندان محل مسأله

دسترسی‌های مدیریت نشده به فضاهای مجازی و محتواها مواجه هستیم. ساختارهایی نیز تماماً به عنوان خروجی‌های عرصه حکمرانی و سیاستگذاری عمومی طی فرایندهای رسمی تدوین و اجرا شده و به عنوان منابع هویت‌یابی در اختیار بدنه اجتماعی نوجوانان قرار گرفته‌اند. با این تفاسیر چطور می‌شود در این فضای به رسمیت شناخته شده و آماده شده برای نوجوان که در عمل مطابق با ارزش‌های جهانی شده است اما در ساختار اندیشه مدام با ارزش‌های دینی و بومی سنجیده می‌شود، توقع نیفتادن در تعارضات هویتی و اتخاذ هویتی منطبق بر ساختار اندیشه را داشت؟

بنابراین همان گونه که مشخص شد سیاستگذار و مراجع رسمی با دستکاری منابع و محیط به طور پیشینی می‌توانند در فرایند هویت‌یابی و تعدیل بحران‌ها از جمله بحران فردی در طول زندگی تک‌تک افراد و بحران جمعی مانند گسست‌های هویتی بین نسلی، نقش منفی یا مثبت ایفا کنند. این مدیریت در وهله نخست با مدیریت تعارضاتی که بین اصول و ارزش‌های جهانی شده و اصول و ارزش‌های دینی و بومی برای نوجوان وجود دارد ذیل حکمرانی با رویکرد فرهنگی و تربیتی اتفاق می‌افتد. در این روند لازم است بازیگران رسمی و سیاستگذاران روی احصا و بازنمایی اصول و ارزش‌هایی که در دنیای جدید همچنان برای زیست نوجوان ایرانی اسلامی لازم‌اند تمرکز کرده و با استفاده از ابزار آموزش و آگاهی‌بخشی در طی فرایند آموزش و تربیت افراد این پشتوانه هنجاری را در اختیار آنها برای انتخاب و گذر از تحول قرار دهند. این مسأله در هویت‌یابی جنسیتی افراد به عنوان ساختار دارای نفوذ در سایر هویت‌یابی‌ها و نقش‌پذیری‌های خانوادگی و اجتماعی افراد از اهمیت بالاتری برخوردار است.

در وهله دوم نیز با مدیریت منابع و خرده سیستم‌هایی که نوجوان به عنوان میانبرهای هویت‌یابی از آنها استفاده می‌کند در سیاستگذاری‌های آموزشی، فراغتی، هنری، اقتصادی و اجتماعی، میانبرهایی با ابتدایی بیشتر بر ارزش‌های پذیرفته شده در دسترس قرار او قرار دهند.



سیاستگذار و مراجع رسمی با دستکاری منابع و محیط به طور پیشینی می‌توانند در فرایند هویت‌یابی و تعدیل بحران‌ها از جمله بحران فردی در طول زندگی تک‌تک افراد و بحران جمعی مانند گسست‌های هویتی بین نسلی، نقش منفی یا مثبت ایفا کنند. این مدیریت در وهله اول با مدیریت تعارضاتی که بین اصول و ارزش‌های جهانی شده و اصول و ارزش‌های دینی و بومی برای نوجوان وجود دارد ذیل حکمرانی با رویکرد فرهنگی و تربیتی اتفاق می‌افتد



تلاقی هویت با جنسیت به عنوان اصلی‌ترین گزاره در ساختاردهی حقوقی، تکلیفی و نقش‌پذیری افراد در خانواده و جامعه، چالشی به نام هویت‌یابی جنسیتی را برای فرد خلق می‌کند